

گوته آلمانی

نگارش: اردشیر نیک پور

اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی را دوره فعالیت فکری و عصر ترقیات و تحولات عظیم علمی و ادبی اروپا توان نامید زیرا انقلاب کبیر فرانسه همانطوریکه مبشر آزادی حقوق بشر و مخرب و مبطل امتیازات طبقاتی بود معطی آزادی فکر نیز بشمار میرفت

تا این تاریخ شعر و ادبیات بزرگان و درباریان اختصاص داشت و خوانندگان و نویسندگان از طبقه اشراف و شعر سرودن و کتاب نوشتن جزو امور تفتنی و تفریحی و زبان ادبی زبانی مبهم و معما آمیز و غیر قابل فهم عوام بود و موضوع اشعار و آثارها مطابق سلیقه و احتیاج اشراف انتخاب میشد و اغلب آثارها و زمانها از زندگانی شاهان و بزرگان و پهلوانان و شجاعتها و عظمت در بار آنان حکایت می کرد و اگر کسی رومان یا تانبری راجع بزندگان طبقه سوم می نگاشت مورد هجو و مسخره قرار می گرفت ولی نهضت رمانتیکم ادبیات و شعر را از حالت اختصاصی و اشرافی در آورده جنبه عمومیت باز داد در این دوره از تاریخ علما و محققین و نویسندگان و فلاسفه عالیقدر و ارجمندی چون لاپلاس و گای لوساک و آمپر و آراگو و شاتوریان و ویکتور هوگو و لامارتین در فرانسه، بایرن، والتراسکوت، نارادی در اتریش، شبلر، گوته، فیخته، هانریهانیه در آلمان بوجود آمد.

مملکت آلمان تا نیمه قرن هیجدهم میلادی همانطوریکه فاقد استقلال و وحدت ملی بود ادبیات خاصی نیز نداشت و نویسندگان و شعرای آن سرزمین از مقلدین سرایندگان فرانسه بشمار می آمدند لکن در اواخر این قرن تحولاتی عظیم در شعر و ادبیات آن مملکت روی داد و عده ای از شعرا و نویسندگان که در رأس آنان لسینگ قرار داشت با نقاد آثار فرانسویان پرداخته و درامهای شکسپیر را

بر تاترهای گرنی و راسین ترجیح دادند ولی عظمت ادبی آلمان موقعی باعلا درجه ترقی خود رسید که دو ستاره تابان علم و ادب. دو مهرمنور ذوق و احساسات در شمال فعالیت و پشتکاری بنام گوته و شیلر قدم بعرصه وجود نهادند و در نتیجه سعی و کوشش بی پایان و خستگی نا پذیر خود ادبیات آلمان را پایه ادبیات انگلیس و فرانسه ارتقاء دادند.

تحولات و انقلابات علمی و فلسفی و ادبی و صنعتی قرن هیجدهم و نوزدهم و مجادلات و منازعات طرفداران سبک رمانتیک و کلاسیک را داستانی بس شیرین و شگفت انگیز و قابل تعمق و مطالعه میباشد لکن عجالتاً از شرح این قسمت در می گذریم و تنها بشرح حال گوته شاعر و فیلسوف و نویسنده مشهور که بزرگترین مظهر فکر و قریحه شاعری آلمان است می پردازیم.

گوته از نوابغ عظیم الشانی است که تاریخ عالم نظیر او را کمتر نشان میدهد در تمام علوم و فنون دوره خود از شعر و ادبیات گرفته تا فلاح و وظایف الاعضا و تاریخ ادبیات ملک شرقی کار کرده و اجتهاد پیدا نموده آثار بی شمار جاویدی از خود بیادگار گذاشته است.

گوته از دسته کلاسیک ها محسوب میشود چه بهترین و عالی ترین نمونه های شعر و ادب و هنرهای زیبارا در آثار یونانیان قدیم نتیجه عشق انکاشته و علاقه مفراطی بانوار باستانی این مملکت نشان داده و به تقلید بزرگان یونانی آثاری از خود بوجود آورده است.

ژان ولنگانگ گوته - در تاریخ ۲۸ اوت ۱۷۴۹ میلادی در شهر فرانکفورت سوراوماین متولد شده پدرش از متمولین و معتبران و معاریف و دانشمندان معروف شهر فرانکفورت و مستشار حقوقی و مشاور امپراطور اطریش بوده طبعی عالی. همتی بلند. فکری صائب رفتاری موقر و متین داشت دوستدار علم و هنر و دل داده شعر و ادبیات بود و در علم حقوق مهارت و اطلاعات بسیطه و کامل داشت - از اولین روز نولد گوته همت به آموزش و پرورش صحیح وی

بگماشت و در پیشرفت تحصیلات و نمو قوای عقلانی او از هیچ گونه فداکاری دریغ نکرد.

در سایه مواظبت‌ها و دقت‌های این پدر دانشمند و جهان‌بیده‌گفته که خداوند هوشی سرشار و درایتی فزون از حد بوی اعطا فرموده بود در مدت کمی مدارج ترقی و تعالی مادی و معنوی را پیموده آثار شکفت‌انگیزی بوجود آورد که دیده‌عالمیان را خیره و دوست و دشمن را مات و مبهوت ساخته ادبیات آلمان را باوج اعلاى عظمت و شکوه ارتقاء دارد.

مادرش زنی زنده‌دل و حساس و صاحب قریحه و فکر سلیم و نکته‌سنج بوده و در پرورش قوای فکری و رشد هوش طبیعی و بیدار ساختن حس ابتکار و ابتداع او تأثیر زیادی داشت چنانکه خود شاعر گوید: «من تن زیبا را از پدر و قریحه شاد را از مادر بارش برده‌ام»

این زن مهربان اغلب اوقات فرزند دلپندش را در پهلوئی خود نشاندیده حکایات و امثال شیرین و دلپسند برای او نقل می‌کرد و بدین وسیله در توسعه قوه خیال او می‌کوشید. گونه عشق بی پایانی بروایات و افسانه‌ها نشان میداد و ذوق رمان نویسی از این تاریخ دردل او ایجاد شده‌است.

خانواده و اقارب او اغلب اهل علم و دانش بودند و نسبت باو محبت و علاقه زیادی داشتند مادر بزرگش که زنی دانش پرست و علاقه‌مند و محب‌ته‌آتر بود بیش از دیگرانش دوست داشت و گاه‌گاهى تاترهای مهیجی برای او هدیه میکرد و در حقیقت نخستین پایه تاتر نویسی کوتاه را او نهاده‌است.

گفته جوان بشاش و خوب روی و نیک محضر و حاضر جوابی بود و چون بارتقعی خود در مجلسی جمع می‌آمد با سخنان شیرین و دلپسند و حکایات و امثال شگفت‌انگیز و حیرت‌آور توجه همه را بخود جلب میکرد. در هنگام پیری بسیاری شدن این روزها تأسف میخورد و بگانه و سیاه تسلی خود را در یادآوری از این ایام میدانست.

گوته - باذوق سرشار و استعداد فوق العاده موروثی و ذاتی و با کوشش خستگی ناپذیری به تحصیل علوم و فنون متداوله زمان خود پرداخت و در اندک مدتی روح خود را بحلیه فضل و دانش بیاراست. هر کس یکبار با او صحبت میکرد مفتون و مجلوب کمالات و سخندانی و مجذوب و شیفته حاضر جوابی و شیرین کلامیش می گشت قدرت سخن بردازی، مآیات و خوش رفتاری خوشروئی و موقع شناسی بالاخره لطافت و ملاحظت سیمای این جوان متوسط القامه ظریف اندام را در شب نشینی ها و مجالس رقص و تفریح و اعیاد و صحراگردیها مقصد و منظور عموم میساخت

گوته بر تمام علوم و فنون علاقه داشت و در آموختن هر فنی و هنری استعدادی خاص نشان میداد ولی تا آن زمان خط مشی معینی در زندگی برای خود انتخاب نکرده بود. بسرودن شعر علاقه بیشتری داشت چون احساسات برداش غلبه داشت همواره میخواست که بزبان خدائی و شعر احساسات را اظهار کند ولی اهمیت شاعرانه ای برای خود قائل نمیشد استحکام قوافی و قیود شعری را رعایت نمی کرد اشعار او چون نغمات بابل شیدائی بود که دست نسیم حوادث در نای و سینه او ایجاد کرده بود

پدرش باذوق شعری او مخالفت نمی نمود و بر خلاف دیگران استعداد شاعری فرزندش را مایه مباهات دانسته و او را بسرودن شعر و نوشتن کتاب ترغیب و تشویق می نمود با این وصف راضی نبود که پسرش شاعری را پیشه و شغل معین خود قرار دهد بلکه میل داشت که به تحصیل علم حقوق پردازد چه در آن زمان این علم را بزرگان می آموختند و دانایان علم حقوق را مقام و اهمیت بسزائی در جامعه بود. برای اجرای این منظور نخست اورابه شهر لایپزیک و سپس باستر اسبورگ فرستاد گوته بگرفتن دانشنامه دکتری نایل شد و از آن به بعد بکلی دل بر ادبیات بست و بمطالعه آثار نویسندگان فرانسوی پرداخت عشق و علاقه زاید الوصفی با آثار ادبی فرانسویان داشت بطوریکه

میخواست چون یکی از مشاهیر شعر و ادب فرانسه گردد و وقتی نیز بخیال مسافرت
فرانسه افتاد ولی بزودی از این خیال در گذشت و بفکر تجدید سبک شعری
آلمان افتاده درین راه سعی و کوشش زیادی نمود تا بالاخره بهرام خود نایل
و ادبیات آلمانی را توانگر ساخت .

گفته در شهر استراسبورگ به « هردر » نامی مصادف شد این شخص
همان استعداد و ذکاوت خارق العاده‌ای را که گفته در سرودن شعر داشت در
فن انتقاد از خود نشان میداد و یکی از بزرگان این علم بشمار میرفت .
روابط و داد و دوستی مابین این دو ناخه عظیم الشأن مستحکم گشت و
هردر (۱) برای نخستین بار هومر و شکسپیر را بگونه بشناسانید

هردر - گفته را از آثاریکه مملو از صنایع لفظی و لغوی و خالی از هر
گونه لطف و حسن معنوی بود روگردان و باثاریکه چون آب صاف چشمه
ها از دل باک وی آلبشی فوران کنند متمایل و طرز حقیقی شعر و شاعری را
بدو پیشنهاد کرد .

گفته ازین بیعد نویسنده‌گی آغاز و مسلک مستقبل خود را شاعری و
نویسنده‌گی قرار داده آثاری بس نفیس و حیرت انگیز بمنصه ظهور رسانید
که نام او را نفیست در آلمان و سپس در سایر نقاط دنیا معروف و مشهور ساخت
با وجود علاقه و عشق شدیدیکه با آثار یونان و فرانسه داشته و در جزو
کلاسیک ها بشمار میرفت عادات و رسوم آنروزی را نمی پسندید و برای
خرده گیری از روش ناپسند جوانان آنروزی بنوشتن کتاب (هنرمند باک چشم)
اقدام نمود این شوالیه که در اغلب عادات و رفتار خود به « دون کیشوت »
اسپانیولی شباهت دارد تصویری است از اخلاق و عادات جوانان معاصر گفته

(۱) - ژان گوتفرد هردر از نویسندگان شهر آلمان در سنه ۱۷۴۴ میلادی متولد و در سال ۱۸۰۳

میلادی بدروود حیات گفته مؤلف کتاب مشهوری است بنام د فلسفه تاریخ بشر .

گوته مهارت و قدرت غیر قابل توصیفی در این اثر نشان داده چنانکه اهل فن گفته اند: « از زمان شکسپیر تا حال چنین کتاب مؤثر و عمیقی در عالم ادبیات ظهور نکرده است »

در بیست و پنج سالگی با انتشار رمان کوچکی بنام وتر اقدام نمود که از شاهکارهای او بشمار میرود .

درین کتاب که شرح دوره جوانی اوست با فصاحت و بلاغت تمام و ظرافت و شیوایی مخصوصی احساسات و عواطف باک و بی آلابش درونی خود را می نگارد . این کتاب موجب اشتها رگوته گشت و چون از نظر شارل اوگوست دوساکس و بیمار که دوستدار دانش و ادب بود بگذشت علاقه و محبت زاید الوصفی بگوته پیدا کرده و چنانکه در صفحات بعد خواهیم دید او را دربار خود دعوت و نخست به مستشاری مخصوص و سپس به نخست وزیری خود انتخاب ساخت علاوه بر دو اثر فوق الذکر اشعار زیادی نیز در این زمان سروده و در آنها با یک زبان شیرین و خوش هیجانات سریع الزوال و احساسات آتشینی را که نسبت بزندگانی و طبیعت در روح حساسش ایجاد میشدند بیان کرده است این آثار احساسات و عواطف و فکر و اندیشه و آرزو و آرمانهای درونی گوته را بطوریکه او میخواست نتوانست بیان کند و التهاب درونی او را فرو نه نشاند لذا بنوشتن قسمت اول کتاب « ناولت » پرداخت و در آن از سرگشتگی و درماندگی و حیرانی خود سخن راند . و آنچه از دستش بر می آمد نسبت به معلومات تو خالی و بی اهمیت و عجب و غرور عالم نمایان زمان خود انتقاد کرد .

دکتر ناولت مردی است دانشمند و جهان دیده که تمام فنون و علوم متداوله عصر خود را فرا گرفته در اسرار خاقت و ماورای طبیعت اندیشه های بلند دارد . درد و اندوه و حیرت و سرگشتگی دل حساسش را فشار میداد و جز مرك چاره نداشت که آرام واسقام بی پایان او را فرو نشانند از این روی درصدد خود کشی برآمد ولی

هنگامیکه جام زهر را بلبلهای خود نزدیک ساخت ناقوس کلیسا در فضا طنین انداز شده او را از اجرای این خیال باز داشت .

روز عیدی بامستخدم خود بصحرارفت و چون بادلی افسرده و درمانده بمنزل عودت نمود شیطان بشکل سگی بر او ظاهر و باطاقش داخل شده او را از ترجمه کتاب مقدس باز میدارد و دست ارادت بجانب او دراز کرده قول میدهد که ناوست را جوان سازد سپس او را بکلبه جادوگری می برد و داروی جوانی را باو می بخشد - چون از کلبه پیرزن بیرون آمدند ناوست عاشق دختر زیبائی بنام مارگریت گشته و بوسیله مفیستوفلس که همان ابلیس است عشق آن دختر طناز سیمین بر را بخود جلب کرده از وصالش شیرین کام می گردد - سپس برادر و خواهر مارگریت را می کشد - و مارگریت زبانه زد عموم گشته بزندان می افتد

ابلیس برای اینکه عشق مارگریت را از خاطر ناوست ببرد او را بانجمن شبانه جادوگران که در فراز کوهی بنام « هارز » واقع بود برده سرگرم عیش و نوش می کند ولی بکمرته جمال یار در آئینه دل ناوست جلوه گری نموده و او را دچار درد و اندوه فراوانی میسازد - ناوست ابلیس را وامیدارد که مارگریت را نجات بدهد لذا بزندان مارگریت شتافته و هر قدر او را بفرار دعوت می کند مارگریت قبول نمیکند و بالاخره ناقوس مرك زده شده و ناوست با ابلیس فرار اختیار میکنند !

ناوست - در حقیقت خود گوته میباشد و ابلیس نیز فکر و اندیشه اوست چه گوته از دست کشیشان ریائی و جهال عالم نما به تنک آمده بود و در دایره علوم و فنون کلیدی که بتوانند او را در گشادن اسرار حقیقت یاری کنند بدست نیاورده بود ابلیس و یا فکر و اندیشه اش او را به بیچارگی علوم و به ناپایداری جهان معتقد میساخت و بعیش و طرب و شادی و سرور دعوت می نمود و فلسفه و علوم حتی کلیسا و کتاب مقدس را مسخره می کرد

ناوست - مشهورترین شاهکار گوته میباشد که از طرف قاطبه دانشمندان جهان جزو آثار جاودانی شناخته شده است در آلمان گوته بیست و شش سال داشت و در نتیجه انتشار کتاب مزبور مشهور عالم گشته بود شارل اوگوست دوک جوان ساکس دیمار که بسیر و سیاحت بلاد آلمان می پرداخت در اثنای گردش خود بشهر فرانکفورت که اقامتگاه گوته بود رسید. از چندی پیش مطالعه کتاب و رتر دل او را از محبت گوته لبریز ساخته بود بدین شاعر بشتافت. گوته با بلاغت ادبی و حسن رفتار و حلاوت گفتارش این دوک دانش دوست را مجذوب و مفتون خویش ساخت شارل اوگوست او را برای اقامت در دربار خود دعوت نمود گوته دعوت او را پذیرفت و بعنوان مهمان بودن به بیمار عزیزت نمود این اقامت موقت بعداً با اقامت دائمی مبدل شد و شارل اوگوست بقدری مجذوب گوته شده بود که نتوانست و نتوانست که از لحظه ای جدا شود و در صدد استفاده خصوصی و رسمی ازین دایه عظیم الشأن که بانی ادبیات آلمانش توان نامید برآمد. گوته را پایه و مقامی بس شامخ و عالی بداد و باطاف و عطایائی که در دایره فکر ننگجد مقتضی ساخت. علاوه بر مقامات مادی او را ندیم خاص الخاص و دوست همراز خود نامید و در تجلیل و تکریم و احترام او دقیقه فرو ن گذاشت

پس از چندی به نخست وزیری خود انتخابش کرد - گوته ذکاء و هوش و ذوق و استعداد بی پایان خود را در حل معضلات امور ملکی بمنصه ظهور رسانید و چرخ امور کشور دوک نشین بیمار را به نیکوترین وجهی برانداخت و چون سن او از شارل اوگوست بزرگتر بود عقاید و افکار خود را در روح این پرنس جوان جایگزین ساخت و او را در عداد طرفداران آزادی و پرنس های نوع پرور معدت گستر در آورد .

مدت دهسال مدیر امور و مشاور مخصوص و ندیم و همراز شارل اوگوست بود و باهوش سرشار خدادادی خود از هر فرصت جزئی استفاده کرده در ترقی

برزگری

درخت هلو و زردآلو

هلو لذیذترین میوه‌است ولی برای آنکه میوه خوب بدهد زحمت باید کشید در زمین رسی و مرطوب عمل نمی آید .

زمین هلو باید عمیق و قوی و بدون سنگ آهک آبکش و شنی و سنگ ریزه بوده و هوای محل هم سردسیر نباشد برای هلو گرمسیر خیلی مناسب است و الا باید در زمستان درخت را در پناه سرما نگاهداشت

برای آنکه میوه‌ها درشت‌شود باید پیوند شود و الا هلوئی تخمی ریزه میشود . بهترین درختها برای پیوند هلو بادام است که در زمین قوی که کمی هم سنگ آهک داشته باشد خوبست . در اراضی ضعیف هلو را با آنچه پیوند میکنند بهترین مواقع برای پیوند آن پائیز است . در هوا های مختلف بهر درخت بومی مثل آلو - گوجه - زردآلو - بادام - شلیل میتوان پیوند هلو زد .

اقسام هلو بسیار است بعضی دارای کرک و بعضی صاف و الوان مختلف و هم پیش رس و دیر رس و ریز و درشت دارد .

زردآلو و قیسی - زردآلو و قیسی هم از فامیل و جنس هلو هستند و از حیث هسته و گل و شکل میوه کمال شباهت را یکدیگر دارند ولی عمر زردآلو بیش از هلو است . برای ازدیاد دخت زردآلو کاشت تخم زردآلو و هم بادام مقصد است و بعد از دو سال پیوند میکنند و اقسام زردآلو نیز بسیار است تربیت هلو و زردآلو و قیسی بهر فرم که بخواهید ممکن است و البته در وسط باغ شکل کاسه و نارونی از همه اقسام با دوام تر است . شکل کاسه همان شکل نارونی است ولی شاخهای وسط درخت را میبرند و دور تا دور شاخه داشته وسطش خالی است شبیه کاسه

ناخوشی و مرض هلو و زردآلو - اول صمغ است که مهلك است یعنی هر درختی صمغ میزند بفاصله يك الی دو سه سال خشك میشود ، معذا برای تمدید عمر با چاقو باید دور صمغ را بتراشند و بکلی بردارند و بجایش ماستیک بمالند . **كلك** - يك قسم شته ایست که برکها را خراب و زرد کرده درخت خزان میشود باید تمام برکها را کند و سوزاند و محلول ساق که در گلابی ذکر شد بتمام درخت مالید .

ناخوشی بلان - شته های سبز و سیاه توسط آب توتون و تنباکو از قرار يك در صد آب و صابون بتمام درخت میمالند یا درخت را دود گوگرد میدهند

درخت گیلاس و آلو

اقسام آلوبالو و گیلاس يك جنسند و میشود بیکدیگر نیز پیوند زد چون پیوند گیلاس روی آلو نمیگیرد لذا نمیتوان آنها را يك جنس شمرد . بهترین پایه برای پیوند گیلاس کاشتن تخم گیلاس غیر پیوندی یا آلوبالو یا جوش درخت گیلاس بزرگ و کاشت تخم گیلاس جنگلی است . آلو نیز دارای اقسام زیاد است مثل آلو زرد آلو سیاه آلو چه گرچه هم رنگ و همه قد و همه آنها را بزرگ آلو می توان پیوند کرد .

مواظبت

پیوند گیلاس بیست روز قبل از نوروز اسکنه یا در ماه دویم بهار پیوند لوله و بغلی یا در پائیز چشم بسته پیوند بغلی و بهترین فرمها برای آن نارونی و کاسه است و باید دانست که درخت گیلاس برش زیاد دوست ندارد و هر شاخه کلفتی هم از آن قطع کنید غالباً خشک میشود باید همیشه قبل از زمستان يك کود پهن ساخته روی زمین بدور او بریزند . در موقع بیل زدن هم باید احتیاط کنید که بریشه آن صدمه وارد نباید محل گیلاس کوهپایه و در عمق درهها زمین شنی و آبیاری بموقع .

اقسام درخت آلو نیز مثل گیلاس برش را دوست ندارند و بهترین اشکال برای آنها نارونی و کاسه است .

نصیحت

هرگاه درخت آلو یا گیلاس را دو مرتبه روی هم پیوند بزنید میوه اش خیلی درشت و لذیذ میشود و البته این عمل در دو سال متوالی صورت خواهد گرفت .

موقع چیدن میوه صبح زود است که دانه دانه با دست بکنند و هر قدر رسیده تر باشد لذیذ تر است جز اینکه بخواهید حمل بدور دست کنید که لازم است قدری نارس چیده شود . تککان دادن درخت و ریختن میوه روی زمین باعث خرابی ریشه درخت و میوه است ،

ناخوشی

گیلاس و آلو را میکروبی موسوم به منی لیا خراب کرده برکت را خاکستری رنگ میکنند و میوه را میریزد . محلول برولز سابق الذکر را در زمستان بتمام درخت بمالید .

بوریذیه

میگرب ذره بینی است که بگیلاس و آلو صدمه میزند آنها را بواسطه کهنی درخت و پوسیدگی چوب آنست بهتر آنست که اینقسم درخت را از ریشه بیرون آورند و هر قسم شته را بگیرند و بسوزانند .

سایر اقسام میوه ها

گردو — در هر زمینی عمل می آید جز در اراضی رسی سخت که طبقه ویعی آن آبکش نباشد .

گردو را توسط کاشت زیاد می کنند و بدون پیوند هم میوه می آورد ولی رای داشتن میوه خوب باید پیوند **سکره** و بهترین اقسام پیوند برای آن پیوند نکلیسی است در یکماه قبل از بهار درخت دوساله را پیوند انگلیسی زده جا بجا کنید تا در بهار جانه کند و اگر هم نکاشته زیر علف و شن مرطوب بگذارید تا اول بهار که جانه پیوند ورم کرده گرفتن پیوند حتمی شود بهتر است . پیوند اسکنه و هم بغلی برای گردو مناسب است .

بهترین اقسام گردوکاری آنست که هر جا میخواهید گردو بکارید تخم را زیر خاک کرده بعد ها هم جا بجا نکنید و اگر هم در یک گود چندین گردو سبز شده تمام شاخها را بهم بیچید تا جوش بخورند هم زود قوی و هم زود میوه می دهد .

ناخوشی گردوی جوان بی کودیست که باید کود داد و گاهی زخم در پوست آن پیدا میشود روی زخم را با چاقو بتراشید و ماستیک بمالید .

کاری یک حشره ایست که چوب گردو را سوراخ کرده در آن منزل میکند باید آنرا بیرون آورد و محاش را با لاس کاد و گچ و خاکستر چوب و شن مخلوطاً بقسمت متساوی خمیر کرده پر کرد و رویش را ماستیک مالید .

در پیری اگر میوه یک درخت خراب شود سر درخت را کلیتاً ببرید یا ته آنرا با اسکنه سوراخ کنید که آب زیاد درخت بیرون آید میوه خوب میشود و هر دو آنها در پائیز مناسبند .

شاه بلوط — بسیار خوب میوه ایست و رای اینکه خوب میوه بدهد باید فضا زیاد باشد زمین رسی را هم نمی پسندد و در اراضی آهک مخلوط برس هم ترقی نمی کند و اراضی سنک چخماقی مناسب اوست .

بلوط و شاه بلوط بهم دیگر نزدیکند ولی بلوط لذیذ نیست . برای تهیه پایه باید تخم درخت وحشی را کاشت و بعد پیوند نمود و تخمش را چنانچه گذشت زمستان در شن می خوابانند و بهار می کارند و پیوند آنها اسکنه است و پیوند از یک متر و نیمی ارتفاع میزنند .

میوه شاه بلوط مثل هلو روی شاخهای یکساله است و بهترین محلها برای آن در وسط باغست .

در موقع کاشت کود پهن ساخته پایش بریزند که نافع است و شکلی را هم که میتوان بآن داد شکل نارونی است .

انگور فرنگی — انگور فرنگی چندین قسم است : انگور خوشه - انگور تیغ دار - انگور ماگرد - انگور سیاه و همه آنها را مثل موستان کاشته تربیت میکنند و درختهای آنها خیلی کوچکند و اقسام میوه های آنها برای خوردن و مربا گوارا هستند و هر يك اسامی مختلف دارند و در باغ پرتیوا بعضی اقسام آن یافت میشود و در هر زمینی عمل می آید خاصه در رس و سنک ریزه زیاد کردن آنها توسط قلمه است و خواباندن شاخه .

بهر آست قلمه را در زمستان بریده زیرش بگذاریم در بهار بکاریم در سه ماه اول برای قوی کردن آنها باید شاخهای آنها را زیاد برید . فاصله هر يك با دیگری یکمتر کافیست در هر سال رویهرقته دو شاخه قوی نگاهدارید که هر يك دو جانہ داشته باشند :

فندق را توسط پاجوش درخت کهن زیاد می کنند محل خوب آن بیلاقات در اراضی شنی و کودهم مطلبد پیوند هم بغلی مناسب است .

پسته - پسته را در اراضی شوره زار نهرهای طویل ساخته دو ماه قبل از بهار میکارند و رویش را کمی شن میریزند تا سبز شود و کودش نمک و خیلی کم آب مطلبد .

پسته از تخمهایی است که خیلی ظریف است و اگر پسته تازه یکساله نباشد سبز نمیشود . پسته دهن بسته که پوک نباشد بهتر است یکماه قبل از نوروز هر زمینی را که میخواهید پسته کاری کند باید حاضر کرده باشید زیرا که پسته را نمیتوان بدو آ خزانه کرده بعد جا بجا کرد زیرا که بمحض باد خوردن ریشه خشک میشود و الا باید در يك محل مخصوص يك نهری حفر کرده در صدف نهر گلدانهای کوچک که قبلا يك چارك قد داشته باشند ردیف گذاشت و میان آنها پراز خاک پوسیده و خیلی کم نمک خوراکی نمود و مقداری پسته را که ۲ ساعت در آب خیس کرده باشد در هر گلدان دو یا سه دانه بطوریکه دهانش سر بالا باشد گذاشته و قدری شن نرم و خاکستر رویش بریزند بطوریکه بیش از يك الی يك و نیم سانتی مطر خاک روی آنها نباشد (البته گلدانها در نهر دفن میشوند و فاصله باخاک ندارند حتی دهان آنها و باز هم در نهر کودی برای جریان آب هست بعد آب در نهر انداخته آبیاری کنید و اگر بارانهای شدید یا آبیاری زیاد بود هر چند روز یکبار خاک روی گلدانها را با چاقوی کوچک نرم کنید تا سه سانتی شده مانع روئیدن نباشد و گرنه در زمینی که حاضر کرده بفاصله های سه الی چهار

متر نهر در تمام طول زمین در آورده بسته نخیس کرده را در سر مرز نهر بطوریکه آب نگرفته و نم آب بان برسد بفاصله سه متر در هر گودی دو یا سه دانه بسته میکساید و روی آنرا شن نرم میریزید و برای نرسیدن آسیب مورچه قدری خاکستر روی آن و اطرافش می پاشید و پای هر گودی برای نشانه يك چوب کوچک در خاک فرو کنید و هر چند روز یکبار با احتیاط با يك چاقو یا میخ پای آنرا شفره کنید تا سبز شود در سال اول هر ده روز یکبار آبیاری میشود سال دوم در تابستان و حرارت هر ده روز یکبار آبیاری میشود و در سایر موافق ماهی یکبار کافیت در سال سوم هر بیست روز یکبار آبیاری می شود و هم موقع پیوند است .

مو و انگور

واقماً انگور از تمام میوه ها لذیذ تر است وقتی انگور با همه میوه ها در يك سفره حاضر باشند همه کس انگور می خورد و کمتر میشود سایر میوه ها طرف توجه شوند خاصه اگر انگور خوب انتخاب شده باشد مو هم يك درخت روستائی قانعی است که در همه زمینی میتوان کاشت و بواسطه ترقی زیادی که در شاخه دواندن دارد هر فرمی را قبول می کند خاصه اگر پاکیزه نگاه دارند و يك دیوار سفید و قشنگ را با برك و شاخ زیبای مو بپوشانند این کار سهل است ولی حتماً باید دیوار سفید بوده هیچ قسم خرابی و ترك نداشته باشد که محل حشرات الارض شده تمام درخت را میخورند و فوراً داخل درزهای دیوار میشوند و نمیتوان آنها را یافت

فرض کنید يك دیوار داریم که ده متر عرض و شش متر طول دارد و با شرایط لازمه سفیدکاری هم شده در تمام طول دیوار بفاصلهای يك متر يك گود بزرگ که سه چارك در سه چارك و يك متر عمق داشته باشد در آورده اگر خاکش خوب نیست خاک خوب تهیه کرده پر میکنیم و اگر نصف خاک پوسیده و نصف دیگر نیمی شن و نیمی خاک برك یا پهن پوسیده باشد مناسب است کمی هم کچ روی آن می پاشیم خاصه اگر گچ کهنه باشد و چند قلمه موکه از میوه آن مطمئن باشیم و هر يك سی سانتی متر طول داشته و در ته آن بقدر دو بند انگشت شاخه دو ساله باشد در هر گود می کاریم موقع کاشت واقعی ماه آخر پائیز است و هم در اول بهار می توان کاشت و روی خاکرا آبپاشی می کنیم که خشک نشود البته یکی یا دو تا از آنها خواهد گرفت و اگر همه هم بگیرند چون ما بیش از یکی لازم نداریم در پائیز آتیه هر کدام قوی تر است گذاشته باقی را از زیر خاک میزنیم بطوریکه بریشه آن قوی صدمه نرسد پس از چهار ماه که گرفتن آن مسلم شد يك شاخه آنرا که قوی تر است گذاشته

باقی را می بریم و آن شاخه توسط چند میخ که بدیوار می‌کوبید عمودی و مستقیم بالا می‌برید در سال دوم بهار سر آن شاخه را از نیم متری یا کمی بیشتر یا کمی کمتر (بر حسب میل شما و طرز دیوار) می‌برید پس از سبز شدن سه جابه آنرا حفظ کرده بقیه را می‌برید وقتی بعد رشد رسید شکل لا می‌سازید و توسط میخ دوشاخه طرفین را ۶۰ مטר فاصله و شاخه وسطی را مستقیم بالا می‌بندید و اگر تمام طول و عرض دیوار ده متری را همین طریق پوشانید خیلی قشنگ است و اگر بخواهید با سه موی تمام دیوار را پوشانید شکل چهل چراغ که نشان دادیم ممکن است و هرگاه ریسمانی واقعی بخواهید در برش هر مورا از دیگری نیم مטר بلند تر می‌برید پس شاخه هر يك نیم مטר از روی دیگری عبور میکند و همه این اعمال بسته بسلیقه و دماغ صاحب دیوار است

اما موستان بزرگ و کوچک ساختن فوق العاده سهل است حتی مورا می‌توان بی آب و فقط با رطوبت مختصر زمین تربیت کرد و طریقه آن آنست که چاه حفر کنند تا حدیکه زمین مرطوب کافی باشد و اگر تمام آنرا با خاکروبه پرکنید بهتر است و روی آن مقداری خاک ریخته قلمه را می‌زنید و با دست در سال اول و دوم آب بدهید تا یکی دو مטר داخل خاکروبه شود با همچو موی می‌توان يك فضای بیست مטר در ۲۰ مטר را در چهار پنج سال قفسه زده و بخوبی موی پوشانید و هم می‌توان مورا در ته چاهی که سه مטר عمق داشته باشد کاشت و پس از بیرون آمدن از چاه بصورت چاه را برگرد و بکلی آبیاری نکرد

در ایران موکاری سهل است و از يك موی می‌توان افلا ۵۰ شاخه خواباند و یا ۱۰۰ قلمه زد و پیدا کردن هر رقم انگور هم سهل است حتی می‌توان از مسافت‌های دور هم قلمه‌های خوب دلخواه آورد ولی باید دانست که همه انگوری در همه زمین عمل نمی‌آید پس باید چندین رقم انگور انتخاب کرده قلمه زد و هر کدام خوب و رشید شد در زیاد کردن آن کوشید

برای ساختن موستان ناچار باید مو کوتاه و بدون چفته و چراغ پا باشد بهترین اقسام آنست که يك زمین مسطح را که دارای خاک خوب باشد انتخاب کرده بفواصلهای دو متری حفر نهر کرده در کنار نهر بفواصلهای دو متری قلمه موی زده تربیت کرد و اگر اتفاقاً انگوری خوب نبوده بجای کردن از ریشه خواستید پیوند کنید پیوند اسکنه خیلی مناسب است و کمتر ممکن است نگیرد مگر آنکه شما ناشی باشید و اسکنه هم از دم خاک خیلی مناسب است

برش مو - اگر چه زیاد بارگرفتن از هر درخت باعث بی قوت کردن و خراب کردن درخت است ولی نگرقتن میوه هم ضرر بزرگی است و هر درختی همه ساله باید بعد متوسط میوه دهد

میوه آوردن مو منوط برشی است که همه ساله خواهید کرد که اگر میوه زیاد بیاورد می توان زیادی را برید ولی اگر میوه نیاورد یکسال میوه از میان رفته

طریقه مواظبت اول بیل زدن همه ساله است پای آن و مانع شدن روئیدن علف روی خاک دویم کود بموقع در هر پائیز بشرط آنکه کود مناسب ساخته باشد و یک قسمت پطاس بیشتر از سایر مواد دارا باشد

سیم برش بهار است که هر قدر بنویسند نافع نیست جز آنکه با نظر دقت در زیر دست باغبان عامل دو سه مرتبه کار کنید

چهارم بردن مقداری از شاخهای زیادی است که آب بمیوه برساند

پنجم آبیاری بموقع بر حسب زمین

وضعیت مو در بهار جانان مو باز میشود و این وقتی است که درجه حرارت هوا به ۹ درجه رسیده باشد و در بیلاقات خیلی بهتر آنستکه مو دیر رس بکارند که دیر تر هم سبز می شود پس برش مورا قبل از سبز شدن و قبل از اشک ریختن باید مجری داشت و موقع برش وقتی است که یخ بدان تمام شده باشد

نمو شاخهای جدید بعد از برش خیلی سریع است و وقتی انگور درشت شد از نمو شاخه کاهیده میشود

موقع گل انگور وقتی است که هوا دارای ۲۰ الی ۲۵ درجه حرارت باشد بارانهای ملایم و بادهای ملایم برای حرکت دادن گرد نر و زدن بتخم دان نافع است بارانهای سرد مانع حرکت گرد نر است و غالباً گلها را میریزد در موقع گل کردن مو هرگاه به تنه اش برای معالجه محلول بمالید یا گوگرد پایش دود کنید گلها را میریزد - شاخهای نو وقتی مختط می شوند که میوه را رسانده باشد برگ از اول تا موقع چیدن انگور آب بمیوه میرساند و در خزان هم قوت خود را بطور کلی بچوب داده می افتد

ترکیب انگور - تجزیه انگور

مواد انگوری	انگور سفید	انگور سیاه
	در صد	در صد
قند قابل جوشش	۱۱٫۹۱۰	۱۶٫۶۴۰
بسی تارتار دوپلاس	۰٫۵۴۳	۰٫۵۵۵
اسید تارتاریک و اسید مالیک	۰٫۷۵۶	۰٫۳۶۳
تانن	۰٫۲۵۴	۰٫۳۶۶
مواد رزینی	۰٫۱۰۶	۰٫۳۰۴
اسید ولاتیل	۰٫۰۰۹	۰٫۰۴۸
مواد معدنی	۰٫۳۵۲	۰٫۲۷۳
مواد ازوتی قابل حل	۰٫۲۳۰	۰٫۳۹۱
روغن نباتی	۰٫۱۱۵	۰٫۳۷۸

اثرات زمین در مو در اراضی سنگ ریزه انگور ضعیف و کم قوت است ولی از حیث اذیت میکروبهای موزی غالباً راحت است و ریشه هم خوب پائین رفته همیشه از رطوبت زمین جذب میکنند در اراضی رستی انگور قوی و خوشمزه است ولی شرابش بد مزه است اگر سنگ ریزه بریزند مناسب است زمینهای گچی و اهکی برای مو خیلی مناسب است رنگ خاک اثر در تربیت انگور دارد مثلاً در اراضی خاک سفید انگور سیاه خوب نمیشود.

مو حرارت را دوست دارد و در سردسیر مو را در پناه میکارند و در بعضی نقاط زمستان زیر خاک میکنند. انگور مو گرمسیر شیرین و پر الکل است و انگور سردسیر همیشه ترش است.

مو و کود مو را نمیتوان درخت خواند زیرا که بدون کمک نمی آید و نمیتوان بوته خواند زیرا که خیلی قوی شده و خیلی عمر میکند و ریشه مو خیلی پائین میرود و مواد تغذیه خود را از اعماق زمین بیرون می کشد، بعضی از علماء فن میگویند مو کود و بیل زدن را دوست ندارد و هر قدر هم شخم عمیق زیند جز بیرون آوردن علفهای خودرو و بحال مو اثری ندارد و هر قدر هم کود بدهید برشهای مو نمیرسد زیرا که آنها در اعماق زمین رفته اند ولی علف خودروی آنها باید برانداخت. مع هذا باید اقرار کرد که زمین با زمین

فرق دارد خاصه طبقه دومی آن و در هر صورت مو جوان را باید حفظ کرد حتی در موقع بیل زدن باید سعی کرد که بریشه صدمه وارد نیاید و حتی پای مو را در بهار دو سه مرتبه شفته بزنید که زمینش نرم باشد و حتماً سعی کنید خوشه انگور روی زمین نباشد و کاملاً آویزان و دور از خاک باشد و اگر پیچفته بسته است شاخهای آنرا خوب ببندید که آویزان نبوده و باد حرکت ندهد.

برای مقایسه احتیاج مو تجزیه ذیل را مناسب می‌شماریم :

ازوت	هندسولفوریک	پطاس
۳۹	۱۱	۴۲
۷۶	۳۱	۱۶
۱۰۸	۴۰	۲۱۹

مواد فوق از يك هكتار زمین هر يك مواد فوق را برداشت میکنند .

معلوم میشود مو بآزوت مایل تر از سایر مواد است بشرط آنکه زیاد از حد نباشد که برك را قوی کرده میوه را خراب کنند و هم ممکن است درخت را مریض و نابود کنند .

پطاس برای میوه آن خیلی مناسب و مفید است حتی آنرا سلامت نگاهداشته از سرما محفوظ نگاه میدارد و در مقابل امراض هم پر مقاومت میشود . اسید فسفوریك عیبات زیاد ازوت را اصلاح کرده بمیوه قوت داده و از رشد زیادی برك هم جلوگیری میکنند .

مو خیلی کاربن از هوا گرفته عضلات شاخهای خود را محکم کرده و انگور را هم خوب میرساند .

کود برای مو اقسام کردهای مختلف تجویز کرده اند ولی هیچک به پهن ساخته نمیرسد که غیر از مواد کودی زمین را هم نرم نگاهداشته و جلو گیری از تبخیر آب می کنند .

برای يك هكتار زمین موستان ۱۹ الی ۲۰ تن کود پهن ساخته کافیست یعنی ۸۰ کیلو ازوت ۸۰ کیلو پطاس و ۴۵ کیلو اسید فسفوریك در ققدان پهن کود خاکروبه ساخته بهتر از هر چیز دیگر است و اگر کود پهن کم است کود شیمیائی كلك مخلوط نمائید خاصه در اراضی ضعیف که هید فسفوریك نایابست در هر هكتار می توان تا ۱۲۰۰ کیلو فوسفات طبیعی ریخت ولی سوپر فوسفات مضر است و در موستانهای بزرگ در هر هكتار ۳۰۰ الی ۴۰۰ کیلو گچ بریزند اثرات خیلی بزرگ خواهد کرد و بعد وفور میوه خواهد آورد .

ناخوشی مو

ملاحظات دشمنهای مو خیلی بسیارند و قوی ولی از همه بیشتر اقسام میکروبا صدمه وارد می آورند خاصه شش قسم آنها که غالباً موستان را بر می اندازند و از همه قوی تر دو جنس آنها هستند : اوی دیم و می لی دیو MILIDIUM - OIDIUM که برگ و شاخه و ساقه و میوه را خراب میکنند و همیشه در نقاط انگور گرد میزند و باشکال دیگر مو را خراب میکند باید کاملاً جلوگیری نموده و در موقع محلول و اقسام دوا استعمال کرد.

می لی دیو تقریباً همان میکروب درخت سیب است که روی برگ مو ظاهر شده لکه های زرد با شکال مختلف غیر منظم گذاشته و پشت برگ گل های سفید ظاهر شده کم کم رنگ برگ خرم سانی و بعد گندمگون میشود که غالباً با مالش انگشت بر طرف میشوند و از زهر آن برگ خشک و انگور خراب شده و نمیرسد و حمله آن در موقعی است که در موقع هوای گرما باران می آید .

علاج فوری محلول کوپریک با آب دزدک کوچک پاشند و آب پاش و آب دزدک بزرگ وقتی لازم میشود که برصکها درشت و شاخهای جوان به یک چارک طول رسیده باشند و هم محلول بردار که مکرر گفته ایم خیلی مناسب است **رو** ROT از هر قسم دشمن حمله در تراست اول روی برگ گل های کوچک دو الی سه میلی متری گذاشته وسط آنها سیاه میشود و رنگ انگور را سربی رنگ می کند و بعد می ترکد و تمام برگ درخت فاسد میشود .
برای دفع آن دو مرتبه در هشت روز فاصله محلول های گذشته را پاشند بشرط خشک بودن هوا .

روبلان ROBLANE فرقتش با ناخوشی گذشته اینست که لکه ها سیاه نمیشوند و صدمات وارده آن کمتر است . محلول بودکین که کمی ترش است معالجه میکند .
کادکبوه ۳ کیلو - کاربنات در سود - ۱ کیلو - آب ۱۰۰ لیتر
در دو مرتبه و بیست روز فاصله پاشند .

اوتی دیم OIDIUM ذره بینی و متمغن است که بوی رطوبت بد میدهد و مثل خاکستر است که روی برگ پاشیده شده باشد و پس از گل و درخت شدن غوره گندیده و میریزد معالجه اش گوگرد و سولفام است که با یک آب پاش مخصوص روی برگها فوت میکنند یا با آب پاش معمولی میپاشند و وقت این کار صبح است که آفتاب گرم نباشد و آن عمل را سه مرتبه اجری دارید اول وقتی که برگها کوچکند - دوم وقتی که شاخهای جوان ۱۵ سانتی متر طول پیدا کرده اند - سوم در موقعی که خوشه میخواهد تشکیل شود

آنتراکنوز ANTHRACNOSE زنگی است که روی شاخهای جوان پیدا میشود شبیه مرض فوق برك و میوه را خراب میکند. معالجه شستن زمستان تمام درخت را با محلول زاج سبز چهل در صد آب گرم و هم يك لیتر اسید سولفوریک مخلوط به ۳۰۰ لیتر آب پاشند یا با قلم بمالند و در بهار کود و آهک نرم بطور تساوی روی تمام درخت فوت کنید (اسباب مخصوص فوت کردن) **پوری دیه** - درخت و میوه را خراب و ریشه را خشک میکند. میکروب آن در اراضی مرطوب طلوع میکند و چون مسریست ممکن است بهمه موها سرایت کند. معالجه قطعی از ریشه در آوردن آن مو است.

کلوروز - مرضی است که اشخاص ناشی برای موستان تهیه میکنند یعنی قلمه مو جدید از موستان مریض می آورند. معالجه زاج سبز در ۲۰ در صد آب در مدت سه سال در هر زمستان دو بار با قلم موئین بتمام مو بمالند.

حشرات موذی

اغلب حشرات جنس شبیره هستند که در شب یا صبح بمو صدمه میزنند و تخمهای آنها از اول بیرون آمدن بشکل کرم و شته باقسام مختلف برك را را میخورند ولی ریشه اذیت ندارند.

یکی از آنها فیلک سرا نامیده می شود که بهر درختی برسد بکلی خشک و نابود میکند و این سوغانیست که با حمل قلمهای مو امریکائی بتمام اروپا سرایت کرده معالجه آن گوگرد است و بس.

پیرال - شته ایست شبیه بهنکوت که تار تنیده زمستان در زیر پوست درخت در میان تار از سرما خود را حفظ میکند. موقع بیداری آن وقت بیدار شدن درخت است که برگهای جوانرا میخورد و بچه میگذارد و برای درخت هیچ چیز باقی نمیگذارد و در تابستان شبیره میشود پره های آنان زرد و سفید و خاکستریست **کشیلی** - شبیره سابق الذکر و شب گرد و زمستان زیر پوست منزل میکنند و بجهای اولی او در ماه دوم بهار از تخم بیرون می آیند و قد او به ۱۵ میلی متر میرسد و هر مرتبه ماده اش ۳۰ الی ۵۰ تخم میگذارد بجهای دومی او وقت انگور میرسند و داخل انگور حتی هسه انگور می شوند.

اودمی EUDEMI شبیره ایست دارای پره های خاکستری و خالهای خرمائی بجهای اولی آنها بشکل شته دارای ۸ الی ۱۰ میلی قطر قد سر آنها گندمگون و پاهای سیاه دارند و خود او قدامت مثل شبیره سابق الذکر است حتی خوشهای انگور را هم میخورند و سالی دو مرتبه تخم میگذارد.

شبیره های دیگر خیلی زیاد و بهر قد و بهر رنگ غالباً قشنگ و دلبرانه همه خراب کننده میوجات که معروفترین آنها کرمهای سبز و خاکستری بدون پا یا دارای پا بدن صاف یا دارای پشم

علاج تمام آنها اینست که زمستان پوستهای مو را که برآمده است بکلی بکنند و با محلول وقلق مو تمام چوبها را بشویند و هم با تجسس می توان پیدا کرده سوزانید . در بهار نیز طفلی بر آب کرده چراغی در وسط آن بگذارید و آنرا در وسط باغ قرار دهید شبیهها بمشق چراغ سوخته و سوخته در آب غرق میشوند .

کلنه ایترا لطیز - بزرنک مایل بآبی در ماه دوم بهار بجهایش برکهای درخت را میخورند و در مرتبه ثانی در زمین تخم میگذارد هر چند دانه از آنها یافته بکشید شر صدها را کوتاه کرده اید . مالیدن محلول الکالین معالجه آنست سود و پطاس هر دو نافذند .

گری بوری - وقتی تمام خلقت است ۴ میلی قطر قد دارد سیاه خرمائی است و بجهایش مثل کرم سفید هستند .

در موقع بهار تمام درخت را خراب میکنند . محلول بردولز - کادک بود ۲ کیلو - آهک تیز ۱۴۰۰ لیتر - ارسنات دوپلمت (ارسنیک) ۶۰۰ گره . کیلو آب ۱۰۰ لیتر معالجه قطعی است و هم در پائیز پاشیدن ۳۰۰ کیلو سفاله خردل و ۳۰۰ کیلو گچ مخلوطا و شخم زدن تأمین آتیه است .

سیگاریه - برگ را مثل سیگار لوله می کنند که نیم سانتی قطر قد دارد و خیلی قشنگ است ماده اش روی برگ تخم گذاشته برگ میپسجد بعد از رشد میروند در زمین و تغییر شکل میدهند . برکهای مریض کشیده را بسوزانید و با ۳۰۰ کیلو سولفور دو کاربون و ۳۰۰ کیلو بک هکتار زمین را دفع عفونت کنید .

پری قل - بزرگتر از ۳ میلی قطر نیست ماده اش روی جانه تخم میگذارد و جانه را می اندازند بجها میروند در زمین معالجه گذشته خیلی مناسب است .

قرمز دانه - معروف که در صباغی نیز از بهترین رنگهاست در زمستان بجهای آنها در جلد خالی مادرشان زندگی میکنند پوست درخت را برداشته آنها را پیدا کنید بکشید و درخت را با محلول ذیل بشوئید .

لکل داتوره ۱۰ لیتر - صابون سیاه ۴ کیلو - خاک تباکو ۲ کیلو - آب ۱۰۰ لیتر

انار و انجیر

انار و انجیر از بهترین میوهها محسوبند و تربیت آنها خیلی سهل و در تمام طهران و توابع خوب عمل می آید و بطور کلی در تمام ایران این دو میوه وجود دارد . عیبی که این دو میوه دارند اینست که از باد های سرد زمستانی بعد از باران یا برف و هوا های محل میترسند و خشک میشوند و در بهار غالبا باید از نزدیک خاک آنها را برید تا دوباره جانه کرده در سال دیگر یک درخت کوچکی است که مختصر بار آورده است . و هم از باد های گرم تابستانی انجیر ترسیده برکش خشک شده میوه اش گرد میزند خراب میشود و یگانه علاجی که برای خشک شدن آنها هست این است که باید آنها را در پناه دیوار سمت شمال کاشع که در زمستان

ز آنها را نور شمس دریا بد و دیوارهای خانهای شهری هم حصار است محکم
رای رفع سرما و هم باد گرم. در بعضی خانهای طهران انجیر دیده میشود که ۱۵
متر طول و تنه درخت مثل چنار سی ساله است و هیچوقت هم ندیده اند که درخت
بار از سرما در خانها خشک شود بعکس آنچه در باغات شهر و ورامین و کن
قم و غیره اتفاق می افتد.

کاشت انار در خاک رسی مخلوط به ریک بشرط زیاد ریختن کود مناسب
نیمه انار بهتر از ریشه دار می گردد و کافی است یک شاخه که بقدر انگشت ابهام
کلفتی داشته باشد و قد آن هم یک چارک باشد بریده بطوریکه در ته آن یک گره
زده و سرش هم بریده شود،

در اول بهار این قلمه را با ملایمت خاک ساخته قبل را پس کرده کمی
بشتر از نصف آنرا داخل کرده چند مشت هم با کف دست روی خاک بزنید که
محکم شود بعد یک حباب شیشه با اقلا یک گلدان کوچک گلی وارونه روی
شاخه قلمه بگذارید که بکلی قلمه زیر آن محفوظ باشد و دور آنرا هم محکم
کنید که منفذ نداشته باشد و آبیاری کنید و مواظبت کنید که خاک همیشه مرطوب
باشد یک هفته دیگر قلمه جانم میزند ولی دست نزنید تا دو الی دو ماه و نیم بگذرد
که جانهای جدید یک چارک یا بلند تر شده اند یک ریک کوچک زیر گلدان قرار
دهید که از یکطرف آن قدری باد و هوا داخل شود پنجروز دیگر ریک را بزرگتر
کنید و پس از ۱۵ روز گلدان را صبحها بردارید و نزدیک ظهر بگذارید و عصر
و شب هم بردارید بعد بکلی آزادش کنید اول هفته در مرتبه با آفتاب یا آب
پاش یا آب جاری آبیاری کنید. سال دوم هر ده روز یکبار سال سوم سال
بار کردن اوست برای آنکه انارش تترکیده و کاملاً درشت و رسیده شود در اول
بهار چهار مشت کود گوسفند دورش ریخته ر آب را هم اگر ده روز یکبار بدهید
۱۱ روز نشود و اگر ۲۰ روز یکبار بدهید ۲۱ روز نشود از اول بهار تا چیدن
انار آب منظمی که ابد آن کم و زیاد نشود بدهید سال چهارم کود را زیاد تر بدهید
و دو سال دهم یک بار الاغی کود گوسفند یا نلک آن کود کبوتر و مرغ کافیت
باین قسم بهترین انارها را خواهید داشت بشرط آنکه یکشاخه از خاک بیشتر بیرون
نباشد و هر قدر شاخه جدید پا جوش برآید ببرید.

انجیر را کمتر میشود قلمه زد سهل تر گرفتن پا جوش از درخت است که
با احتیاط با تمام ریشه در آورند و کاملاً گود کنند تا محلی که در خاک بوده
در گود بگذارید و سرش را با قیچی زده چهار انگشت فقط گذاشته مثل انار
یک حباب یا گلدان کوچک خالی رویش بگذارید و بعد از گرفتن کم کم باد
و هوا بدهید و سعی کنید که مثل انار بیش از یک شاخه از خاک بیرون آمده

نداشته باشید و مثل انار سر آنرا نارونی بطوریکه دستور آن گذشت بسازید ممکن است در همان سال اول هم بار ندهد ولی مثل انار در سال اول ~~کود~~ لازم ندارد و از سال دوم هر قدر قوی تر میشود کود را بیشتر کنید و ارتفاعی که برای تنه درخت میگذارید یک متر و نیم الی دو متر باشد.

اگر انتخاب قلمه مثل انار از اول خوب بوده فهها و الا پیوند بغلی برای انجیر و پیوند اسکنه بالا برای انار مناسب است و آبیاری آن نیز مثل انار و انگور مرتب باشد.

مثلا انگور در زمستان بخی آب میخواهد که حشرات موزی را برطرف کند و در موقع بیل زدن نیز در بهار یک آب میطلبد و پس از برش نیز اگر چند روز بعد از بیل زدن صورت میگیرد یک آب بدهید و اگر برش با بیل زدن صورت میگیرد همان آب کافی است.

در موقعیکه گل میکند آب لازم است و وقتی دانه غوره بقدر یک نخود شود نیز آبیاری کنید و بعد از آن هر دوازده روز یکبار آبیاری کامل کنید تا موقعیکه انگور چیده شود و در پائیز آب لازم ندارد. انار و انجیر نیز در همان مواقع آب لازم دارند و آبیاری زیادی اسباب خرابی درخت و میوه است و این دست را برای طهران و اطرافست نه کوهپایه.

خرمالو

خرمالو میوه ایست لذیذ و زینتی شبیه گوجه فرنگی وقتی کاملا برسد بسیار قشنگ و هم لذیذ است جنس جنگلی آن در جنگل مازندران و گیلان بسیار است برای کاشت آن تخم جنگلی را که هم در باغات طهران زیاد است در بهار کاشته سال دوم جابجا کرده سال سوم یک ماه قبل از بهار پیوند اسکنه از ارتفاع یک الی دو متر میزنند یا در مرداد و شهریور پیوند بغلی یا لوله میزنند زنده باید عامل باشد و الا باید پیوند را مکرر کرد سال دوم یا سوم بعد از پیوند بار میدهد.

چون چوبش خیلی مست است از شاخه پیوند توجه کنید باد نشکند بستن از همه بهتر است مثل همه پیوند ها باینمندی که وقتی پیوند گرفت سر شاخه را از روی پیوند بقدر یک انگشت بلند تر گذاشته باقی را ببرید وقتی پیوند بلند شد آنرا با ریمان و بامواظت بآن سر شاخه ببندید وقتی دو وجب شد سر آنرا ببرید که سنگین نشود البته وقتی دوباره شاخه کند شاخه پیوند محکم شده و در سال دوم بی خطر است.

نصیحت بطور کلی هر کس هر فضای کوچکی دارد میل دارد درخت بکارد برای خانها پای دیوار مو و توی باغچه انار و انجیر و خرمالو بهتر از هر میوه ایست و اگر درخت میوه دیگر هم دوست دارید و می کارید باید آبیاری آنرا

بواظیت کنید و در موقع با آب دستی نیز میتوان يك درخت را سير آب کرد اگر دستور آبیاری در تمام کتاب درختکاری داده نشد برای این است که آبیاری با زمین و هوای هر محل فرق دارد .

در اراضی شنی اگر هر چهار روز یکبار هم آبیاری شود مناسب است زیرا که زمین شنی سوزان است و بعضی آفتاب خوردن در تابستان خشک شده درخت مدممه میخورد ولی در نقاط دیگر که دارای زمین رسی است و سنک ریزه یا ندارد با کم است آبیاری هر ۱۰ الی ۱۲ روز یکبار کافست باضافه جنس درخت هم با درخت فرق دارد مثلا گلابی - سیب - بادام - هلو - شابل - گوجه - آلو - گلابی آب خیلی بیشتر از مو - انجیر - انار - پسته و غیره میطلبند باز همان درختهای کم آب طلب سال چهارم که قوی شوند در سالهای اول باید سعی کرد که هر وقت خشک میشوند آبیاری کنید .

مثلا اگر پسته سی ساله و گردوی کهن و بادام قوی را دو آب یا سه آب در تمام تابستان بدهید کافی است با مراتب فوق البته هر باغبانی ولو در بدو امر میتواند طبیعت زمین خود را بدست آورده بموقع آبیاری کنند که درخت خشک نشود و آفتدر زیاد هم آب ندهد که ریشه درخت فاسد شود .

تاکید درختی که میخواهید در بهار پیوند کنید دو روز قبل از پیوند آبیاری کنید و بعد از پیوند هم هر دوسه روز یکبار ولو با آبیاری باشد آبیاری را بیزید .

ملاحظه درخت کوچک که پیوند می کنید وقتی سرش را بیزید که مطمئن از گرفتن پیوند باشید و اگر عالمید هر وقت بریدید همانوقت مناسب است

جنگل سازی

جنگل - کاری علمی است که توسط آن توجه ابر های عابر را بخود جلب کرده همیشه بقدر رفع عطش اب از آسمان میگیرند و برطرف کردن آن باعث نیاریدن و خشکی هوا میشود .

در همه ممالک مردم را تشویق بساختن جنگلهای مصنوعی می کنند برای گرفتن باران از هوا و برطرف کردن يك جنگل کوچک محالست جز آنکه در مقابل آن درخت کاشته باشید .

در هر مملکتی احتیاجاتی دارند بعضی به رزین برای چرخ انومبیل و کالش و اقسام کفشها و پارچه و لباسهای بارانی و هزار عملیات صنعتی و در بعضی ممالک احتیاج بچوب دارند برای نجاری و تیر و غیره و در بعضی نقاط چوب سوزاندن لازم دارند و در بعضی نقاط همه آن احتیاجات را دارند ولی اراضی مناسب اینکار برای همه آن مصارف ندارند هر قسم درختی که در اراضی بایر آنها

عمل می‌آید میکارند و محصول آنرا با آنچه لازم دارند در سمالك مجاور معاوضه میکنند و حتی المقدور همه سعی میکنند که هرچه لازم دارند با پول خریداری نکنند معاوضه متاع با متاع باشد.

اراضی که درختکاری میشود همیشه پست ترین اراضی است که میتوان در آن محصولی نمی‌توان از آن برداشت کرد و جز درختکاری بدرد هیچ کاری نمیخورد البته در همچو اراضی هم نمیتوان هر درختی را شما لازم دارید عمل آورد بلکه هر درختی را که زمین و آب و هوا می‌پسندد باید عمل آورد و بر این نکته بدانند چه قسم درختی در فلان زمین عمل می‌آید علماء فن بگیاههای خودروی آن زمین مراجعه کرده فایدههای مختلف آنها را تعیین میکنند و آن درختها تیکه از جنس آنها هستند انتخاب میکنند بشرط آنکه هر چه هم آن درختها را قبول کنند با اضافه هم گیاهها را علیحده علیحده تجزیه می‌کنند که معلوم شود غذای هر یک چه بود و هم درختی که باید نشاند تجزیه کرده با آنها می‌سنجند و پس از اطمینان کامل درختهای که لازم است بطرز علمی کاشته میشود و در اغلب برای باراندن باران ابرهای عابر پستهای مخصوص دارند که در موقع توسط توپ ابرها را بالاتر فستاده باعث باراندن باران میشوند و این پستها همه با یکدیگر تلفون داشته ابر بدون دادن باران قدرت عبور از منطقه آنان ندارد و این خود یک داستان بزرگ است که شرح آن کتاب خیلی بزرگ لازم دارد.

البته درختکاری بدون آب نمیشود و در اراضی با مصرف مآب بقدر کفایت نیست چه رسد به اراضی لم یزرع ولی بطور کلی در بسیاری از نقاط دیده ام که دارای اراضی بسیار خوب و آب زیاد است و یکدانه درخت وجود ندارد و هم در خیلی جاهای دیگر اراضی سنگی و شنی بسیار دارد و آب بسیار هم دارد ولی کسی بفکر درختکاری نیست در صورتیکه با مخارج خیلی مختصر میتوان جنگل ساخت که پس از چند سال دروها قیمت داشته باشد در بعضی نقاط نیز آب فراوان و زمین کم است ممکن است آبرها بتقاط دیگر جاری کرد در هر صورت چون قصد ما در این کتاب فلاح است از مطلب دور نیفتیم.

در بعضی نقاط جلگه و کوهستان که بوته - گون - بطور خودرو زیاد است جنگل کاری خیلی سهل است اگر چه خیلی دیر شده است ولی بالاخره پس از چند سال عاقبت جنگل میشود و در سال ششم یا کمتر یا بیشتر جلوگیری از ابر کرده باسم اینکه ما هم جزو مخلوق روزی داریم قسمت ما را هم بده و برو بقدر کفایت از پستان ابر باران نوشیده سیر آب میشوند با اضافه خود جنگل باعث ایجاد ابر و هوای مرطوبی و حاصل خیز است.

و تمدن شهر و بیمار میکوشید - و لحظه ای وقت خود را به بیکاری و بطالت نمی گذرانید از یکطرف باکمال دقت براهنمائی عقل و حکمت به تمشیت امور اداری می برداخت و از جانب دیگر بابادی شهر و بیمار اشتغال ورزیده شهرشعرو ادب و مدینه آثار ظریفه اش میساخت بطوریکه مردم آنجا را «آتن ژرمانی نام دادند. روز بروز بر شهرت و مقام و جاه و جلالتش افزوده شده محبوبت غیر قابل توصیفی در میان عموم مردم از خاص و عام پیدا میکرد!

گوته اختر فروزانی بود که تا آن زمان آسمان علم و ادب و جهان شعر و سرود ستاره تابانی چون او ندیده بود این نیر اعظم و این نجم منور نه تنها در مملکت آلمان بلکه در تمام بسیط خاک بر تو افشانی میکرد و دیدگان دوستداران دانش و فرهنگ را از نور شادی و انبساط خیره میساخت

با وجود اینکه در پیش شارل او گوشت به ارجمندترین و برترین مقامات رسمی نیایل گشته بود از صرف اوقات در دغدغه مصالح دولتی و مشاغل رسمی دلنگ گشته، برای رهائی از دست اشتغالات توألفرسای مادی، و خزیدن بگوشه انزوا و زندگی کردن با فراغت بال و آزاد، و سرودن شعر و نوشتن کتاب در جائی دور از قیل و قال - دست از تمتعات صوری باز کشید و دل از مقامات و مراتب ظاهری برکنند و پس از استحصال اجازه از محب صادق و حامی دانش دوست و دوست مشفق و همراز نیک محضر خود شارل او گوشت از دربار دوری اختیار کرد -

شارل او گوشت نیز این تغییر حال را مناسب باروح شاعرانه او دانسته از کارهای دولتی معذورش داشت گوته و بیمار را ترک گفته بطرف ایتالیا عزیمت نمود و در آنجا با اسم ساختگی مولر نقاش اقامت گزید و از آزادی و جمهوریتهی که داشت بی نهایت استفاده کرده بسرودن شعر و پرداختن تاتر که بعقیده او اشرف اشتغالات بود همت گماشت و باندازه ای از وضع جدیدش شاد و خرسند بود که دوره اقامت در ایتالیا را دومین دوره حیوانی خود می نامید.

در نتیجه دهسال اشتغال بکارهای رسمی درخت بارآور ذوق و شجر مشعر
قریحه اش عقیم مانده و ثمر دانشی نداده بود بعبارت اخری در دربار شارل او گوست
اثری از خود بوجود نیاورده و کتابی نگاشته بود.

دیگر با آن حلاوت و ذوق سابق سخن نمیراند و با آن روی بشاش
و شاد لطفه گوئی و افسانه سرائی نمی کرد دایماً محزون و دل آزرده و همیشه
مغموم و افسرده بود و بهیچ وسیله ای دل خود را شاد نمی توانست کرد.

چون در ایتالیا گوشه فراغتی یافت و از بود و نبود و نیک و بد دنیا
کناره گرفت دو باره آن نور یزدانی و پرتو ملکوتی ذوق و قریحه جلوه گسری
و نورپاشی آغاز نهاد و از نو یک شاعر حساس ولی متفکر و محزون گشت در
این موقع تبدیلات و تغییرات عظیمی در افکار و اندیشه هایش رخ نموده دیگر
آن گوته جوان نبود که باخیالهای شاعرانه و حرکات مجنونانه دروادی آرزوهای
محال یویان و بنام شاعر گستاخ و حاضر جواب معروف باشد. بلکه گذر کردن
سالها از دیاد تجربیات. اختلاط و آمیزش با اشخاص گوناگون و سیر و سیاحت
آفاق و انفس اخلاق و عادات و رفتار و سکناتش را بکلی دگرگون ساخته
جوشش و حرارتش را به سکوت و شور و غوغایش را بحلم و رأفت و گستاخی
و حاضر جوابیش را بدوراندیشی و متانت مبدل کرده بود.

در موزه های ایتالیا با آثار نفیس و زیبای یونان مصادف و در مقابل
لطافت و زیبایی و توانائی و قدرت دست و فکر هنرمندان آن سرزمین واله و
حیران گشته عشق و علاقه زیادی بمطالعه آثار باستانی یونان و روم پیدا کرده
با شوق و ذوق وافر، تبدیق و تحقیق در آثار باستانی این ملت کهن سال شروع
نمود. و چون از ایتالیا باز گشت دوائر بسیار نفیسی بنام « ایفیشنی آن توریید »
و (لوتاس) با خود بیاورد که راستی سلاست و لطافتی که در این دوائر بکار برده
حلاوت بخش مذاق دوستداران شعر و ادب تواند بود.

چندی بعد بدوائر مذکور منظومه دلپسند (هرمان و دروته) را نیز علاوه
کرد این منظومه شیرین نابوی بسیار زیبایی است که وضع تعیش دهاتیان و

عادات و اخلاق و گفتار و پندار آنانرا مصور می کنند آیات آن بسیار متین و مستحکم و در لطافت و سلاست یای کمی از سایر آثار او ندارد. درین کتاب الوان شیوه افادات شاعر شهیر یونان باستان همرا نویسنده منظومه ایلیداد و ادیسه با اسلوبی شیوا و طرزی ماهرانه تقلید شده و اثری بسیار نفیس و عالی بوجود آمده است.

گفته درین کتاب فرانسویانرا مدح و تعریف و خدمات شایانیکه این ملت به تمدن و تجدد نموده اند با زبانی بسیار فصیح و بلیغ شرح داده و مخصوصاً از جنبش آزادیخواهی و تحولات و تغییرات عظیمی که هنگام نوشتن این کتاب بتوسط ملت فرانسه بوقوع می پیوست تمجید و تحمید زیادی کرده است بعد از بازگشت از ایتالیا در سال ۱۷۹۴ در شهر ویمار بملاقات (۱) فردریک شیللر نایل شد و این تصادف یکی از سعادت آمیزترین واقعات زندگی گوته را تشکیل داد

تا بحال این دو سراینده نامدار و عالیقدر آلمان یکدیگر را نهمیده بودند ولی چون عقیده و افکارشان باهمدیگر میساخت بزودی رشته الفت و مؤانست مابینشان مستحکم گشته بکمک و مظاهرت یکدیگر گوی بزرگ شرافت و افتخار آلمان را در میدان ادبیات جهان روده و کارهای زیادی انجام دادند آلمان را از حال تنگدستی و بیچارگی رها ساختند. از اولین روزیکه بملاقات یکدیگر نایل شدند تا آخرین دقیقه اسف انگیز و درد ناک مرگ شیللر رنجش و دل آزردهگی مابین آن دو بوقوع نیوست و بطوری مجذوب و مفتون همدیگر شده بودند که تمام آثار خود را بموافقت و صوابدید

(۱) ژان کریستوف فردریک شیللر - تیراژدی نویس و مورخ مشهور آلمان پسر جراحی از اهالی ورتامبرک بسال ۱۷۵۹ میلادی متولد شده نخست به تحصیل علم الهی و فقه و حکمت و طب و حقوق پرداخت ولی بعداً دل از آنها برگرفت و با ادبیات مشغول شد. مهمترین آثار او تراژدی - راهزنان خدعه و عشق - ماری استوارت - ردون کارلو گیزوم تل - تاریخ جنگهای سی ساله و تاریخ انقلاب هند - میباشد در سال ۱۸۰۵ بدرود حیات گفت .
(انشاء الله اگر فرصتی بدست آید شرح حال مفصل او را نیز خواهیم نگاشت)

و مشورت و مصالحت هم نگاشته همواره یکی دیگری را بسعی و کوشش و نوشتن و سرودن اشعار تشویق میکرد در آن زمان بود که گوته رمان بزرك و مشهور خود را بنام (ویلهلم مایستر) بنگاشت

طبع فیاض این شاعر توانا با مصاحبت رفیق شفیقی چون شیلر رفته رفته چون خورشید عالمتابی بافشانیدن بر تو معرفت و دانش برداشته و روز بروز بر قدرت فکر و فصاحت بیان و جلالت گفتارش میافزود ولی دنیای دون و دون پرور که تا بحال روی موافق باو ننموده بود مخالفتش را آغاز نهاد و بجاده بسیار کدورت انگیز دچارش ساخت یعنی در سال ۱۸۰۵ میلادی شیلر عزیزش را (که هیچوقت از مصاحبت و مجالستش سیر نمی شد) از دستش بگرفت و او را بی کس و تنها گذاشت .

گوته که در مقابل هر گونه انقلابات و تحولات ملال آور و درد ناک مقاومت کرده و از میدان در زرفته بود میخواست که در این حادثه نا گهانی نیز خود را نبازد و مکدر و غمگین نگردد. ظاهراً خود را متأثر نشان نداد می گفت و می خندید ولی باطناً با درد و اندوه بیکرانی دست بگریبان بود مرك شیلر نه حنان عنان اختیار و قرارش را در روده بود که بازش بدست توان آورد. رفته رفته آن نشاط و سرور جوانی را از دست بداد و مردی افسرده و دلمرده گشت. برای فراموش کردن مرك شیلر به تحقیق و تفحص و تدقیق علوم پرداخت و در این راه مجاهدت و کوشش فراوانی کرد .

این مرد پنجاه ساله چون جوان باذوقی در دانشگاه « یه نا » به تحصیل علوم پرداخت و نه تنها در شعر و ادبیات بلکه در اغلب علوم از قبیل علم - تشریح - زمین شناسی - نبات شناسی - کان شناسی و غیره بدرجه اجتهاد رسید و با کشفیات مهم و عدید علمی نایل آمده نام خود را از دایره محدود شاعری و نویسندگی خارج ساخته و لایق لقب دانشمند بتمام معنی گردید.

در سال ۱۸۰۸ میلادی ناباؤون بناپارت در شهر ارفورت ساعتی چند با او مصاحبت کرد و پاسبان خدماتی که با ادبیات فرانسه کرده بود نشان اثریون

دو نورش اعطا نمود و در باره او چنین گفت « این آدم است »

این جمله را هر کسی بنوعی تعبیر کرده است ولی نگارنده این سطور را عقیده بر این است که نابالئون میخواست با این جمله بسیار کوتاه بگوید : که گوته اکمل و امجد ناس و متفکر ترین و عالی ترین جنس انسان است .

ما گوته را مبری از هر گونه سهو و اشتباه نمی شماریم چه دانشمند و حکیمی یافته نشود که در دوران زندگانش بلغزشی دچار نگردد بلکه او را دانشمند عالی مقداری میدانیم که تا آخرین دقیقه حیات سعی و کوشش در فرا گرفتن علوم و تحقیق و تدقیق در مسائل غامضه حکمت و فلسفه پرداخته و روز بروز بلکه ساعت بساعت بر معلومات خویشتن افزوده و لحظه از کار و جدیت خسته و فرسوده نشده است و چنانکه خود گفته « بزرگترین وظیفه انسان استکمال وسایل ترقی و کمال است » خویشتن راسزاوار نام انسانیت کرده است .

گوته حکیمی است حق شناس و حقیقت پرست . دوستدار دانش و معرفت و محب ملل و اقوامی که بتمدن بشر خدمت کرده اند میباشد ازین روی هنگامیکه نابالئون بیابارت با لشکر بیکران خود بمملکت آلمان روی آورده امراء و سلاطین آنرا از تاج و تخت محروم میساخت با کمال متانت به ترکتازی و خرابکاری آنان می نگریست و تأثیری از خود ظاهر نمی کرد بطوریکه در جنبش ملی ۱۸۱۳ نیز بیطرف ماند و چون علت این بی اعتنائی را از او پرسیدند چنین جواب داد : « چگونه میتوان بملتی که خدمات شایانی عالم تمدن کرده با دیده خصومت نگریست » این شاعر حساس و روشن فکر میدانست که این خرابیها و ویرانیها منافع بزرگی در آتیه برای مملکت آلمان خواهد داشت و در حقیقت هجوم فرانسوی بممالک اروپا بسیل سرگردانی ماند که در عوض لطمات فراوان خود رسوبات پر منفعت و قابل کشت و زرع از خود برجای می گذارد سیل نهاجم فراسویان درخت آزادی و استقلال را در قلوب اهالی بارور ساخت و میوه این درخت عبارت از وحدت ملی آلمان و ایتالیا بود .

چون نابالئون در جنگ واترلو شکست یافته و بکلی از پای درآمده به سنت هلن رانده شد گوته با وجود مسرت خاطریکه از رانده شدن دشمنان میهنش

داشت چون دیگر آلمانیان فرانسویان را دشمن نمیداشت و سخنی برضد آنان نمی گفت بلکه همواره خود را طرفدار فرانسویان معرفی کرده و عقیده داشت که «ایقاع خسارت بمملکت فرانسه باعث خرابی بنیان آجدد و تمدن و نتیجه اش خرابی و بدبختی تمام ممالک اروپاست»

خدماتی را که فرانسویان بعلوم و دانش مخصوصاً بشعر و ادب کرده اند دائماً متذکر میشد و از شدت علاقه اغلب بزبان فرانسه حرف میزد و اسلوب افادات نویسندگان فرانسه را در کتابهای خود میآورد و در حوالب طاعنان می گفت: «من دوستدار تمدن و تجدد و مملکت فرانسه از خادمین قدیم ترقی بشر است پس چگونه ممکن است که با چشم حقارت بفرانسویان نگاه کنیم و آنها را دشمن خود بدانیم» اغلب اوقات بمطالعه کتب فرانسه اشتغال داشت و (۱) مولیر را بیش از دیگر نویسندگان دوست میداشت و می گفت: «مولیر بزرگترین و عالی ترین تمثال علم و معرفت است»

و در جای دیگر گفته است: «آثار مولیر هر قدر بیشتر خوانده شود خواننده را متعجب تر و مبهوت تر خواهد ساخت من! همانطوریکه دفعات زیادی در مقابل آثار دست نقاشان توانای ایتالیا که با قلم سحرآمیز و معجز شیم خود مناظر و وقایع بسیار دلپذیری تصویر میکنند ایستاده و از نگاه کردن آنها سیر نمیشوم آثار فکری مولیر را نیز بارها مطالعه کرده ام و باز هر سال اغلب آنها را بتکرار می خوانم چه ما عاجزان نمیتوانیم بایکی دوبار مطالعه بحقی و لطافت این آثار شکفت انگیز بی ببریم و لازم است که هر چند وقت یکبار بانها مراجعه کنیم»

(۱) ژان بابتیست بوکلن مولیر پدر کمدی فرانسه بسال ۱۶۲۲ میلادی در شهر پاریس متولد شده و قسم اعظم زندگانی خود را در دربار لوئی چهاردهم که پادشاه دانش پرور و شاعر نوازی بوده بسر برده و به آکتوری و مدیریت نمایش ها و در عین حال بنوشتن پيس ها پرداخته و اغلب آثار خود را؛ از مضحك ترین گرفته تا جدی ترین و عالی ترین آنها با يك اسلوب كتابه آمیز و پر پیچ و خمی كه بخصوص بخود اوست؛ نوشته است. معاصرینش در حق او گفته اند:

«او بزرگترین مدقق و نقاش جهان مدنیت است و سنت بو در حق او گفته:

«کسی که خواندن را بلد باشد حتماً آثار مولیر را خواهد خواند»

از آثار معروف او - دبستان زنان - دشمن بشر - تارتوف - ژرژ واندن - زنان دانشمندان و غیره است. مولیر در سال ۱۷۱۳ بدرود حیات گفت.

درین چند سطر که گوته نظریات خود را نسبت به اولین نگاشته است هم او را تعریف و هم بالجن بسیار ملایم و معتدلی تنقیدش کرده است

گوته اطلاعات زیادی در شعر و ادبیات فرانسه داشت و اغلب کتابهای نویسندگان این مملکت را مطالعه میکرد و مجلات و روزنامهها و سایر مطبوعات تازه چاپ از فرانسه برایش ارسال میشد در موقعی که ریاست نمایشگاههای شهر ویمار را داشت عده زیادی از تراژدیهای فرانسه را بزبان آلمانی ترجمه کرده و بمعرض نمایش گذاشت ریاست نمایشگاههای شهر ویمار آخرین شغلی است که شارل اوگوست بدو محول کرده بود، گوته ازین مأموریت فوق العاده ممنون و خرسند بود ولی بعد از چندی چون مدیر یکی از تاترها از امر او سر پیچیده و بیسی را که گوته نمایش آنرا منع کرده بود بمعرض نمایش گذاشت، ازین کار نیز استعفا داد دوک دوسا کس ویمار خانهای برایش تهیه کرده و این خانه در خارج شهر بر لب رودی واقع شده بود، گوته که وقتی رئیس الوزراء دوک نشین ساکس ویمار بود درین خانه دور از قیل و قال بکه و تنها بسر میبرد و به باغبانی و پرورش گلها خود را مشغول میساخت و درین فن نیز بعد از کمی مهارت اطلاعات وسیعه بدست آورد و در هشتاد سالگی زیر درختان تناوری که چهل سال پیش کاشته بود با استراحت پرداخت.

در نظر او درختان و نباتات تنها از بوی خوش و شکل خوش خویش ما را محظوظ نمیسازند بلکه «برک درختان سبز در نظر هوشیار - هر ورقی دفتر است معرفت کردگار!»

گوته میگفت باید طبیعت را بایک نظر دقیق کنجکاو ی کرد چه گاهی میشود که ندانسته یکی از اسرار خود را فاش میکند و اگر شخص مترصد باشد آنرا کشف خواهد کرد!»

دوستان گوته هر یک نمونه ای از گلها و نباتات و حیوانات برای کلمکسیون او میفرستادند و گوته این نمونه هارا با ترتیبی منظم جابجا میکرد و در تدقیقات خود استفاده زیادی از آنها میکرد و بانهاییکه بدیدنش می آمدند نشان میداد.

آنهائیکه بزبانت گوته نایل شده اند، خواه شاعر و فیلسوف و خواه طبیعی دان و پزشک، در مقابل وسعت معلومات و قدرت فکر و توانائی قریحه او مات و مبهوت گشته اند.

ویکتور گوژن معروف فرانسوی که در تاریخ ۱۸۱۷ میلادی در شهر ویماو بملاقات گوته نایل شده می نویسد :

« تعریف فصاحت بیان و حلاوت سخن گوته از عهده من خارج است در سخن او قوت ، صفوت ، سلامت و لطافت غیر قابل توصیفی است که شنونده را بیاد شاعر نامدار یونان باستان هومر می اندازد

بالاخره مجذوب و مفلونش شدم و درین یکساعت که با او بودم هر چه شنیدم تازه و نو بود و تکراری در سخنهایش ندیدم «

در سال ۱۸۱۳ میلادی فن هامر اتریشی دیوان حافظ را بالمانی ترجمه کرد و یکی از نسخ این کتاب بدست گوته افتاد مطالعه اشعار حافظ تأثیر غربی در او کرد بطوریکه دیوان اشعاری بنام «الديوان الشرقي للمؤلف الغربي» در تقلید اشعار حافظ بسروده و در آنجا علاقه و محبت خود را نسبت بشرق چنین بیان کرده :

« شمال و مغرب و جنوب از هم خواهند پاشید ؛
آو ای گوته ! بمشرق فرار کن و باشقی و باده نوشی ووس و کتار
بگرای تا خضر آب زندگایت بخشد «

و راجع بحافظ چنین گفت « چقدر دیوانه است کسی که بخواهد با حافظ
لاف برابری بزند «

گوته زبان فارسی و عربی نمیدانست و اطلاعات او از کتب مستشرقین
عالمقداری مانند : فن هامر - اوزله - جونس - فردریک - روگرت -
سیلوستر دوساسی و غیره اخذ شده است .

در سال ۱۸۳۰ قسمت سوم ناولت را باتمام رسانید و بسال ۱۸۳۲ بعد
از چند روز بیماری چشم از نیک و بد این جهان به بست و عالم باقی شتافت !
در آخرین دم حیاتش خواهش کرد که پنجره های اطاقش را باز کنند
و آخرین جمله ای که از زبانش خارج شد این بود : « نور را بیشتر نکنید »
ما تفسیر این جمله را لذوق خوانندگان میگذاریم ! و باین جمله مقاله
خود را تمام میکنیم : « گوته پدریا مبتکر تمام افکار بکر و نو بود ! » پایان